



نبرد مخفی نازی‌ها در ایران

نبرد مخفی نازی‌ها در ایران

شکست سازمان‌های
اطلاعاتی آلمان
(۱۹۳۹-۱۹۴۵)

آدریان او. سالیوان
ترجمهٔ محمد آقاجری



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه: او. سالیوان، آدریان O'Sullivan, Adrian
 عنوان و نام پدیدآور: نبرد مخفی نازی‌ها در ایران (شکست سازمان‌های اطلاعاتی آلمان ۱۹۴۵-۱۹۳۹) /
 آدریان او. سالیوان / ترجمه محمد آقاجری
 مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۳۹۹
 مشخصات ظاهری: ۵۲۰ ص
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۵۷۶-۴
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
 یادداشت: عنوان اصلی: Nazi secret warfare in occupied Persia (Iran): the failure of the German intelligence services, 1939-45, c2014.
 موضوع: جنگ جهانی اول، ۱۹۱۸-۱۹۱۴م. — آلمان — سازمان‌ها و فعالیت‌های جاسوسی/جاسوسی آلمان — ایران/جنگ جهانی دوم، ۱۹۴۵-۱۹۳۹م. — ایران
 شناسه افزوده: آقاجری، محمد، ۱۳۴۹ - مترجم
 رده‌بندی کنگره: D۸۱۰
 رده‌بندی دیویی: ۹۴۰/۵۴۸۷۴۳۰۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۰۸۹۹۹



■ نبرد مخفی نازی‌ها در ایران

آدریان او. سالیوان
 ترجمه محمد آقاجری
 آماده‌سازی و تولید:
 بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
 طراحی گرافیک: پرویز بیانی
 چاپ و صحافی: دالاهو
 نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۲، ۷۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.
 هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴.

طبقه سوم، تلفن: ۶۶۴۷۷۴۰۵

@ketabeparseh





آدریان اوسالیوان، کارشناس سابق اطلاعاتی در زمینه تحلیل پیام،
در انگلیس، اروپا، شمال آمریکا و خاورمیانه زندگی و کار کرده است.
او با نوشتن رساله‌ای در زمینه تاریخ اطلاعاتی، از دانشگاه
آفریقای جنوبی دکتری گرفته است.

تقدیم به نگاهبانان راستین ایران زمین، آنان که نه خام
افسون بیگانه شدند و نه دیاری را از میهن خود برتر دانستند.

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۷	یادداشت‌ها
۱۹	سپاسگزاری
۲۳	یادداشت‌ها
۲۵	رویدادنگاری
۲۹	گله‌گرگ‌ها در کوه‌های زاگرس: از اسناد خصوصی اف. شاتون (۱۳۵۶).....
۳۳	سراغاز: ماکس و موریتس هویت خود را جعل می‌کنند
۴۹	۱. جهانگردان و بازرگانان
۷۷	۲. مهاجمان و اشغالگران
۹۳	۳. طراحان و برنامه‌ریزان
۱۱۳	۴. جاسوس‌ها
۱۳۵	۵. آرمان‌گرا و درنده‌خو
۱۷۳	۶. رقبا
۱۸۳	۷. استخدام‌کنندگان و مربیان
۲۲۳	۸. ماکس
۲۶۱	۹. موریتس
۲۸۷	۱۰. سبابا

۱۰ ■ نبرد مخفی نازی‌ها در ایران

- ۳۱۳..... ۱۱. چتربازان بر فراز ایران
- ۳۲۹..... ۱۲. فرانتس، دورا، و برتا
- ۳۵۷..... ۱۳. آنتون
- ۳۷۵..... ۱۴. عملیات و عوامل
- ۴۲۱..... ۱۵. کاستی‌ها و کمبودها
- ۴۳۱..... ۱۶. ناکامی‌ها
- ۴۶۵..... سخن پایانی: ماکس و موریتس خود را متحول می‌کنند
- ۴۹۱..... گزیده کتاب‌شناسی
- ۵۰۹..... نمایه

مقدمه

مشکل تاریخ‌نگاری آلمان نازی این است که بخش بزرگی از این کار مستلزم مطالعه‌ای دلخراش است، چون رایش سوم به شدت در خونریزی، خشونت‌های هولناک، و بی‌رحمی‌های وحشیانه، آن هم به صورتی گسترده و روشمند غوطه‌ور شده بود. تندروی‌های این حکومت چنان بود که طبق گفته‌ای معروف از هانا آرنه^۱، در حکومت نازی جنایت، آشکارا فراگیر و در یک کلام عادی شده بود. شاید کتابی درباره یکی از جنبه‌های نادر هولوکاست، مثلاً قساوت‌های بی‌رحمانه افراد گردان ۱۰۱ پلیس باشد که دانیل جوناگولدهاگن^۲ در جلادان مشتاق هیتلر^۳ آن را با دقت بسیار ثبت کرده است، یا اثری به شرح وقایع تکان‌دهنده و صریحی درباره تجاوزهای گروهی، تاراج، و انتقام‌های ضدفاشیستی بپردازد، چیزی که آنتونی بیور^۴ آن را با جزئیات هراس‌آوری در سقوط برلین ۱۹۴۵^۵ آورده است، با این حال، خوانندگان

1. Hannah Arendt

2. Daniel Jonah Goldhagen

3. *Hitler's Willing Executioners*

4. Anthony Beevor

5. *The Fall of Berlin 1945*

حساس به سختی ممکن است به این زمینه مطالعاتی رغبتی داشته باشند یا آن را به فرزندان خود توصیه کنند.

هنگامی که چند سال پیش بر آن شدم تا رساله دکتری خود را درباره برخی جنبه‌های شکست نازی‌ها در جنگ جهانی دوم از منظر تاریخ اطلاعاتی بنویسم، مصمم بودم که از روایات خونبار و خشنی که وجه غالب آثار تاریخی دربارهٔ رایش سوم است، دوری کنم و موضوعی ملایم‌تر و لطیف‌تر از مسائلی بیابم که تاکنون اغلب در آثار پرفروش و غیر داستانی دهه‌های اخیر رایج بوده‌اند. این امر تا اندازه‌ای به این سبب بود که به تدریج متوجه می‌شدم عقده گمراهانهٔ هیتلر دربارهٔ نژاد برتر - نه منحصرأ حزب نازی یا اساس - همراه با یهودی‌ستیزی و دشمنی با بلشویک‌ها را هر چه بیشتر مطالعه می‌کنم، کمتر متوجه آن (یا آن‌ها) می‌شوم. من از بدنهادی جنایتکارانه‌ای که آلمانی‌های معمولی نسبت به یهودی‌های عادی و افراد دیگر اقلیت‌ها نشان می‌دادند، چنان آزوده‌خاطر بودم، که تصور کردم دیگر نمی‌توانم، برای نمونه، دربارهٔ هولوکاست چیزی بنویسم. از همین رو، هنگامی که از قصدم با یکی از راهنمایان دانشگاهی خودم گفتگو کردم، فردی که تاریخ‌دانی برجسته بود و اطلاعاتی گسترده دربارهٔ آثار مربوط به سازمان اطلاعات نازی‌ها و عملیات مخفی داشت، سخت شادمان شدم، چرا که وی در آن هنگام ابراز داشت: «آدریان، باید به یاد داشته باشید که جنگ دوم جهانی نبردی بسیار بزرگ بود!» او اصرار کرد که این موضوع به این معنی است که هم اکنون (پس از حدود ۷۰ سال) هنوز هم ناگفته‌های بسیاری وجود دارد که باید گفته شود، و مطالعات موردی و نانوشتهٔ فراوانی وجود دارد که باید نوشته شود.

من که همواره علاقه داشتم مورخ را روی عمومی، و نه یک نظریه پرداز یا یک تحلیل‌گر بیندارم، چنانکه گمان می‌کنم استاد بیور چنین بوده است، بلافاصله از چشم‌انداز پر کردن خلأ تاریخ‌نگاری در مقام یک داستان‌گو دلگرم

شدم. این کار ممکن بود چیز جالبی باشد: برای من بسیار سودمندتر و با علائقم سازگارتر بود که تاریخی خواندنی بنگارم تا اینکه آن را ساخت‌گشایی^۱ کنم، و به زبان پیچیده و خاص پسا‌نویس، تحلیل‌های خود را برای انتقال به دیگر پژوهشگران در لفافه قرار دهم. راهنمای من ادامه داد: «ایران چطور است؟ تاکنون کسی درباره آن کار نکرده و مطالب خام بسیاری در بایگانی‌ها روی هم انباشته شده است.» البته منظور وی از این گفته این بود که هیچ پژوهش تک‌نگاشته‌ای وجود ندارد که بر اساس اسناد بایگانی‌ها درباره نبرد پنهانی در این منطقه انجام شده باشد، اما بهتر است من فوراً مشغول آن شوم پیش از آنکه دیگری در واپسین دم بر من پیشی گیرد.

و به این ترتیب، من از سر اضطرار و نه از روی برنامه، با یکی از انگشت‌شمار موضوعات غیر خشونت‌آمیز و همچنان قابل کار رایش سوم و تاریخ جنگ دوم جهانی به صورت تصادفی برخورد کردم. چون در ایران زمان جنگ به ندرت تیری از سر خشم شلیک شد، و مسلماً هیچ جنگ منظمی روی نداد، حتی هنگامی که نیروهای انگلیسی و روسی در پایان تابستان ۱۹۴۱ (شهریور ۱۳۲۰) مرزهای ایران را در غرب و شمال زیر پا گذاشتند و با سرعتی برق‌آسا کشور را اشغال کردند، تا مانع پیشدستی آلمان در حمله احتمالی از فراسوی قفقاز شوند. شاید از نیک‌بختی من بود که تاریخ اطلاعاتی را به عنوان رشته‌ام برگزیده بودم، و نه تاریخ نظامی که در آن آنچه مایه آرامش خاطر پژوهشگران و نویسندگان باشد، بسیار کم‌شمار است. از سوی دیگر، کارهای اطلاعاتی واقعی، ضد جاسوسی، امنیت اطلاعات، براندازی سیاسی، تبلیغات سیاسی، خرابکاری و فریبکاری‌های راهبردی، خشونت‌ی به مراتب کمتر از آن دارند که آثار تخیلی عامیانه و ادبیات عامه نیمه‌تاریخی ما را به باور کردن

آن‌ها واداشته است. گروه نسبتاً کمی از جاسوس‌ها جان خود را از دست دادند، یا در طول جنگ دوم جهانی دست به اسلحه بردند، یعنی برخلاف این باور عامیانه که جاسوسی خیانت است و ناگزیر به چوبه‌دار یا گیوتین ختم می‌شود. برای نمونه، از حدود ۴۲۳ عامل دشمن که در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۴ دستگیر و در اردوگاه ۰۲۰ سازمان امنیت (ام‌آی ۵) نگهداری شدند، در پایان تنها ۱۴ نفر محاکمه و گناهکار شناخته شدند و آن‌ها را به دار آویختند. در بیشتر موارد، میدان فعالیت‌های اطلاعاتی عرصه‌ی بازی پر رمز و راز و خاموشِ هوشمندی است، و نه خشونت. گاهی هفت تیرها در تاریکی شب به غرش در می‌آیند، اجساد رها شده به ندرت در کرانه‌ی آبراه‌ها یا اقیانوس‌ها در آب غوطه‌ور می‌شوند و بیشتر جاسوس‌ها از تنهایی یا لورفتن فضاحت بار بسیار بیش از انفجار بمبی در زیر ماشین یا فرو رفتن کاردی در پشت خود می‌ترسند. به این ترتیب و ضمن پوزش از استاد آرنت، فرد حتی می‌تواند از «پیش پا افتادگی خیانت» سخن بگوید. خیانت عالمگیر شد چون همه‌ی مظاهر اخلاقی حرفه‌ای نسبتاً شرافتمندانه را به دست آورد و آن را با مجموعه مهارت‌ها، مقررات، فن‌آوری‌های بی‌همتا، و سیاق‌های ویژه‌ی زبانی خود کامل ساخت، و اگر نه همیشه اما اغلب، تصدیق و احترام تلویحی و دو جانبه‌ای میان قهرمانان و صدقهرمانان وجود داشت.

همه‌ی این ویژگی‌ها در این کتاب، که درباره‌ی نبرد پنهانی در ایران است، نمایان می‌شوند. در جانب آلمانی‌ها ما شاهد ابتدال زندگی‌های همواره در گریز فرانتس مایر^۱، برتولد شولتسه هولتوس^۲، و رومن گاموتا^۳ هستیم؛ ماه‌ها و حتی سال‌هایی طولانی که بدون هیچ‌گونه دستاورد عملیاتی سپری شدند و

1. Franz Mayr

2. Berthold Schulze Holthus

3. Roman Gamotha

هیچ کار مهم دیگری نیز انجام نشد. در سمت انگلیسی‌ها می‌توانیم مشقات روزانه‌ای را تصور کنیم که ویژگی روزمره نظام امنیتی - اطلاعاتی است - سانسور نامه‌ها، ثبت نام‌ها، بازجویی‌های مختصر، جبران ناکارآمدی پلیس و ژاندارمری ایران، نگهبانی بی پایان علیه دشمنی که هرگز از راه نرسید، یا دست کم بسیار دور و کم‌شمار و با هوشی معمولی وارد میدان شد و اقدامات به شدت نابسامان آن چندان مایه در دسر نگردید. با این حال، کاملاً خطاست اگر تصور شود روایتی که من قصد بازگویی آن را دارم چیزی ملال‌آور، همانند زندگی‌هایی است که ترسیم می‌کنند، چون این روایت که واگویی درگیری‌های پنهانی در جهانی آکنده از تهدید و پیامدهای راهبردی و شوم است، در باب فاجعه‌ای است که خوشبختانه هرگز روی نداد: یعنی شکست روسیه شوروی؛ حمله نازی‌ها و اشغال ایران، عراق و شبه جزیره عربستان، و گسترش هولوکاست حتی تا خاک فلسطین؛ از دست رفتن هند و پیوندهای انگلیس با خاور دور و استرالیا؛ و سرانجام یکی شدن نیروهای آلمان و ژاپن در هند، افغانستان و شاید سبیری. در زمان جنگ در تهران برای کسانی که وظیفه آن‌ها پاکسازی ایران از نفوذ نازی‌ها، و عوامل نازی بود، چنین چیزی هرگز دور از ذهن نمی‌نمود. پس از نبردهای استالینگراد و کورسک^۱ وضعیت تا اندازه‌ای بهتر شد اما در میان آن‌هایی که در بخش نیروهای ایران و عراق^۲، آن «ارتش کوچک و فراموش‌شده»^(۱) خدمت می‌کردند، احساس ناامنی دیرپایی باقی ماند، که سبب گردید مسئولان و بی‌وقفه نگهبانی خود را تا بهار ۱۹۴۵ (۱۳۲۴ خورشیدی) ادامه دهند.

1. Kursk

۲. Persia and Iraq Force: یا نیروهای انگلیسی در ایران و عراق. - م.

دیک تیستلتوایت^۱، که به‌عنوان افسر اطلاعاتی در زمان اشغال ایران در تهران خدمت می‌کرد و در ام‌آی ۵ مقامی بسیار بالا یافت، چنین نوشت: «ماجرای ایران ارزنده‌تر از آن است که پنهان بماند.» همه این ماجرا (ناگفته) خواهد ماند، تا سرانجام روزی بیان شود، با طلاهایش، شترها، معشوقه‌ها، زهر، دینامیت و محیط تهران که کاملاً مناسب یک فیلم است.»^(۲) این داستان سخت در خور بازگویی است، و بسی ارزشمند برای آنکه آن را بخوانند، دست کم به‌خاطر ابعاد گسترده آن، که نه درباره ترس و وحشت، بلکه درباره آینده‌نگری و فرجام‌اندیشی بود. زمینه محدود اقدامات مخفیانه نازی‌ها که متوجه کشوری بزرگ و مشکل‌ساز بود و ناکامی مصیبت‌بار آن‌ها، عظمت تخیلات راهبردی نهفته در این اقدامات را می‌پوشاند، اقداماتی که اگر انجام می‌گرفتند، امپراتوری بریتانیا را نابود می‌کردند و جهان را برای همیشه تغییر می‌دادند.^(۳)

آدریان اُسالیوان

جزیره بوون، بریتیش کلمبیا

مارس ۲۰۱۴

1. Dick Thistlethwaite

یادداشت‌ها

۱. نامه‌های خصوصی دکتر دراکس Drax، ۲۱۶۴، موزه سلطنتی جنگ.
۲. تیستلتوایت به بولارد Bulard، ۳ ژوئیه ۱۹۵۳، KV3/89، بایگانی‌های ملی؛ همچنین نک تیستلتوایت به بولارد، ۳۰ دسامبر ۱۹۵۴، GB165-0042-3/7، مرکز بایگانی خاورمیانه، دانشکده سنت آنتونی، آکسفورد.
۳. نک نقشه آ-۳ برای بررسی جغرافیایی اقدامات مخفیانه آلمانی‌ها و فعالیت‌هایی که در جنگ دوم جهانی ایران را هدف گرفته بودند.